

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»

هیچ ملتی به عزت و قدرت نمی‌رسد مگر با وحدتی فراگیر که افراد آن را به هم پیوند دهد و این وحدت، همان عقیده است که نظام حاکم را تعیین و مسیر حرکت ملت را مشخص می‌کند. هرگاه عقیده یکی شد و نظام سامان یافت، موضع امت نیز یکپارچه می‌گردد و همچون پیکری واحد خواهد بود که با یک تپش به حرکت درمی‌آید و نیروهای فردی به قدرتی جمعی و کوبنده بدل می‌شوند، چون بادی تند که هیچ‌چیز توان ایستادگی در برابرش ندارد.

از این رو، آیه پیشین با فرمان الله سبحانه و تعالی آغاز شد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، زیرا طاعت الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم جهت را یکی می‌سازد و نیروها را همسو می‌کند؛ همان‌گونه که برق در سلول‌های قلب گرد می‌آید تا تپش حیات را پدید آورد.

اما اگر اختلاف و تنازع پدید آید، نیروهای امت با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند و یکدیگر را خنثی می‌کنند تا جایی که تأثیرشان کاهش می‌یابد یا از میان می‌رود و امت به موجودی ناتوان و بی‌اثر بدل می‌شود که نه قدرتی برای مقاومت دارد و نه وزنی در معادلات، بلکه به تکه‌هایی متلاشی تبدیل می‌شود که طعمه آسان دشمنان می‌گردد.

از اینجاست که اجتماع بر طاعت الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم تنها راه وحدت مسلمانان است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» «و همگی به ریسمان الله سبحانه و تعالی چنگ زنید و پراکنده نشوید».

پس ریسمان الله سبحانه و تعالی همان دین اوست و تمسک بدان، گرد آمدن بر کتاب و سنت است و هرگونه فاصله‌گیری از این ریسمان، مسلمانان را به گروه‌های متنازع و متخاصم بدل می‌سازد که هیچ اعتباری در جهان ندارند.

اگر به وضعیت امروز خود بنگریم، می‌بینیم که اختلافات در اشکال گوناگون وجود دارد و خطرناک‌ترین آن، اختلافات سیاسی است؛ چه میان نظام‌های حاکم و چه میان احزاب سیاسی.

اختلاف نظام‌ها ریشه در این دارد که این حکومت‌ها ساخته امت نیستند، بلکه دست استعمار آنها را تحمیل کرده، امت را پاره‌پاره و اراده‌اش را اسیر ساخته و نظام‌هایی بر آن تحمیل نموده که بر اساس اندیشه‌های غربی در حوزه حکومت، آموزش، اقتصاد و غیره بنا شده‌اند.

یکی از اهداف این نظام‌ها، ضعیف و متلاشی نگه‌داشتن امت از راه نزاع‌های فرقه‌ای، قومی و جغرافیایی میان دولت‌های ساختگی بوده است تا ملت به‌جای پرداختن به مسائل حیاتی خود، به درگیری با یکدیگر مشغول شود.

برخی از این دولت‌ها خود آتش‌بیار جنگ‌ها و دامن‌زننده به اختلافات‌اند؛ چنان‌که بعضی کشورهای خلیج، به‌ویژه امارات، با ایفای نقش مخرب خود در یمن، لیبی، سودان و دیگر کشورها در خدمت پروژه‌های غربی هستند و فساد را در قالب‌های نو بازتولید می‌کنند.

اما اختلاف میان احزاب سیاسی، افزون بر جنبه داخلی، به همان اندازه خطرناک است، چراکه بیشتر این احزاب بر فرهنگ‌های وارداتی و گرایش‌های بیگانه تکیه‌دارند که هیچ پیوندی با عقیده امت ندارند و عموماً توان و سرمایه امت را صرف درگیری‌های بر سر منافع محدود کرده و بر سر منافع حزبی با یکدیگر رقابت می‌کنند، به بهای وحدت و قدرت امت.

در حقیقت، امت نه با حزبی که به خود دعوت کند یا طلب وفاداری به پرچم خود را داشته باشد متحد می‌شود، بلکه با حزبی متحد می‌گردد که دعوتش به طاعت الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد و هدفش اقامه دولت اسلامی واحد است؛ دولتی که شریعت الله سبحانه و تعالی را اجرا و امت را زیر پرچم اسلام گرد آورد و عقیده را از باوری فردی به نظامی جامع برای تنظیم روابط و تدبیر جامعه بدل سازد.

بدون این دولت فراگیر، امت همچنان پراکنده و متفرق خواهد ماند و نیروهایش در کشمکش‌ها تلف خواهد شد، ضعف و ناتوانی ادامه خواهد یافت و سلطه و دست‌درازی بر امت پایدار خواهد بود؛ اما زمانی که تلاش مخلصان برای احیای این دولت راشده به ثمر بنشیند، امت به همان جایگاهی بازخواهد گشت که الله سبحانه و تعالی برایش خواسته است: امتی واحد، نیرومند، بالغ و زنده.

تلاش برای اقامه چنین دولتی، واجب شرعی و ضرورتی انکارناپذیر است و تنها راه بازیابی عزت و کرامت پس از یک قرن سقوط و انحطاط است؛ عصری که با ضعف خلافت آغاز شد و تا به امروز امت را به ضعیف‌ترین و خوارترین ملت‌ها بدل ساخته است؛ «لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ» «برای رسیدن به چنین چیزی، کارکنان باید کار کنند».

برگرفته از شماره ۵۵۶ جریده الرايه